

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۳، شماره ۵۰، زمستان ۱۴۰۰، صص ۹۹-۱۳۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۲۸، تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۰

(مقاله پژوهشی)

جلوه‌های پایداری در سروده‌های سعید بیابانکی

دکتر خیرالنساء محمدپور^۱، دکتر آزاده حسین‌زاده^۲



چکیده

سعید بیابانکی یکی از شاعران معاصر حوزه ادبیات پایداری محسوب می‌شود که سروده‌های وی مملو از موضوعات پایداری است؛ بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، اشعار سعید بیابانکی را از منظر ادبیات پایداری بررسی و تحلیل کند و به مخاطب نشان دهد که وی در بیداری و آگاه کردن مردم و برانگیختن آن‌ها به مبارزه با دشمنان خارجی و ظلم و ستم چه نقشی داشته است؟ و ارزش‌های ملی و فرهنگ اسلامی تا چه حد به شاعر در زمینه بیان مؤثر شعر مقاومت کمک کرده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه مهدویت، عشق به میهن، ستایش آزادی و آزادگی، دعوت به مبارزه و پایداری و اتحاد، دشمن‌ستیزی، حمایت از مقاومت فلسطین و مردمان مظلوم دیگر کشورها، بازتاب قیام عاشورای حسینی، ولایت‌مداری و ... از مهم‌ترین مضامین ادبیات پایداری در اشعار سعید بیابانکی است. افزون بر این، نشان می‌دهد که شعر وی بازتاب دردهای انسانی است که با زبانی ساده و بی‌تکلف به این موضوعات می‌پردازد. شعر سعید بیابانکی در عین سادگی، شعری است زنده، متعهد و تأثیرگذار که در لابلای آن پیروزی و امید به آینده‌ای روشن موج می‌زند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، دفاع مقدس، مضامین پایداری، شعر معاصر، سعید بیابانکی.

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

mohammadpour99@pnu.ac.ir

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسؤل).

hosseinzadeh9958@gmail.com

مقدمه

ادبیات پایداری به سروده‌ها، نمایشنامه‌ها، داستان‌های کوتاه و بلند، قطعات ادبی، طنزها، حسب‌حال‌ها، نامه‌ها و آثاری گفته می‌شود که در همین سده، نوشته و آفریده شده‌اند و روح ستیز با جریان‌های ضد آزادی و ایستادگی در مقابل آن‌ها را نشان می‌دهند و متضمن رهایی و رشد و بالندگی جامعه‌های انسانی هستند. در تفسیر این نوع ادبی جدید، تعاریف فراوانی بیان شده است که همه آن‌ها دربرگیرنده پیام مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم هستند.

با دقت در تعاریفی که ذکر شد، می‌توان گفت که ادبیات پایداری همانند آینه‌ای است که همگی مربوط به فداکاری و ایثار آزادی‌خواهان را در قالب ادبی بیان می‌کند. شاعران و نویسندگان حوزه ادب پایداری همانند کنشگران فعال در این کنش متقابل اجتماع و ادبیات، با آفرینش آثاری که درونمایه آن‌ها آزادی‌خواهی، ایجاد امید و نفی ظلم و ستم است، رسالت خطیر خود را به نمایش می‌گذارند و به خلق آثار ادبی مبادرت می‌ورزند.

افزون بر توضیحی که در ارتباط با ادبیات پایداری و مصادیق آن ارائه شد، باید افزود که شعر مقاومت در فرهنگ و ادب فارسی پیشینه‌ای طولانی دارد، اما تأثیر شاخص آن بیشتر از عصر مشروطه نمایان است.

به طور کلی ادب پایداری از این دوره به بعد به سه شاخه تقسیم می‌شود؛ عصر مشروطه، عصر پهلوی و دوران انقلاب اسلامی؛ بنابراین شاعران متعهد اجتماعی نقش بسزایی در روشنگری، ترغیب و تشویق توده مردم به مقابله و رویارویی با حکام مستبد یا هجمه دشمن خارجی برعهده داشتند و با خلق آثاری در این زمینه به رسالت اجتماعی خویش عمل کرده‌اند.

سعید بیابانکی از زمره شاعرانی است که در سروده‌های خویش بسیاری از مؤلفه‌های ادبیات پایداری را به کار برده است. بدین معنا که وی با به تصویر کشیدن شجاعت و مقاومت ائمه اطهار و معصومین (ع) از جمله: امام حسین (ع)، امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) در برابر ظلم و ستم حُکام جور، شور و شعور و احساسات مخاطبانش را بر می‌انگیزد. افزون بر این، باید اشاره کرد که جنگ تحمیلی پس از انقلاب اسلامی ایران، یکی

از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ کشور در طول چند دهه گذشته است؛ بنابراین، جنگ توانست مضامین گوناگونی را در اختیار شاعران قرار دهد و آن‌ها کوشش کردند به پیروی از این شرایط، موضوعاتی چون: وطن‌دوستی، دینداری، آزادی و آزادگی، بیگانه‌ستیزی، انتظار مهدویت، و... را دستمایه آفرینش آثار ادبی قرار دهند، که سعید بیابانکی هم از این حیث مستثنی نیست. او نیز به عنوان یکی از شاعران متعهد، با پرورش این مضامین در اشعارش، از عهده رسالت اجتماعی خود برآمده است؛ از این رو نوشتار حاضر بر آن است تا در شعر این شاعر، نشانه‌های پایداری و مقاومت را بررسی و تحلیل کند و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- مهم‌ترین مضامین پایداری در شعر سعید بیابانکی کدام است؟

- رویکرد وی در بیان مضامین پایداری چگونه است؟

پیشینه تحقیق

براساس جستجوهای به عمل آمده تاکنون هیچ پژوهشی که موضوع آن به طور ویژه بررسی جلوه‌های مقاومت در شعر سعید بیابانکی باشد، انجام نشده است؛ اما پژوهش‌های مختلفی پیرامون بازتاب مؤلفه‌های پایداری و مقاومت در اشعار دیگر شاعران معاصر صورت گرفته است. در اینجا به نمونه‌های اندکی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

صرفی و هاشمی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین‌پور» نقش و تأثیر هشت سال دفاع مقدس در برابر یورش دشمن بعثی را در اشعار قیصر امین‌پور بررسی کرده‌اند و اشاره شاعر به مفاهیمی همچون فرهنگ ایثار و شهادت را ناشی از توجه شاعر به این پدیده دانسته‌اند. غنی‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، در نوشتاری با عنوان «تحلیل مؤلفه‌های پایداری در اشعار طاهره صفارزاده» مشخصه‌های پایداری و مقاومت را در اشعار صفارزاده به عنوان یکی از شاعران عرصه مقاومت، مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. مدرسی و رستمی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «جلوه‌های پایداری در سروده‌های فرخی یزدی» چگونگی رویارویی فرخی یزدی در برابر استبداد پهلوی و بازتاب آن را در اشعارش مورد بررسی قرار داده‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این جستار توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است و تلاش شده مبحث ادبیات پایداری و مؤلفه‌های آن در اشعار سعید بیابانکی، بررسی شود. بر همین اساس پس از گردآوری و بررسی اشعار این شاعر، مضامین و مؤلفه‌های پایداری استخراج، تحلیل و واکاوی شده است.

مبانی تحقیق

ادبیات پایداری

مبارزه جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان است؛ زیرا بشر از آغاز تاکنون با ناسازهای پیرامون خویش در حال مبارزه بوده است. یکی از این ناسازها ستم، استبداد و بی‌عدالتی است و مبارزه با این استبداد سبب پدیدآمدن ادب پایداری می‌گردد. پایداری در لغت به معنای «ایستادگی و پافشاری» (معین، ۱۳۸۸: ذیل واژه) و «ادبیات پایداری به مجموعه آثارى اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی، در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی؛ با زبانی هنری (ادیبانه) سخن می‌گوید. برخی از این آثار، پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از گذشت زمان، به نگارش «تاریخ» آن می‌پردازند» (شکری، ۱۹۷۹: ۱۰) و «نمایشنامه، داستان کوتاه و بلند، طنز، حسب‌حال‌ها و نامه‌ها و آثاری که در دوران معاصر با انگیزه اعتراض به جنبش‌های ضد آزادی و پایداری در برابر متجاوزان؛ دربردارنده رهایی و پیشرفت جوامع بشری تألیف و آفریده شده‌اند» (کمسفیدی، ۱۳۸۸: ۳۷۰) را در بر می‌گیرد. کنفانی غسان عنصر پایداری را در همه اثرهای ارزنده دخیل می‌داند (ر.ک: کنفانی، ۱۹۹۶: ۳). در ادبیات جهان نیز، غیر از ایران، کشورهای همچون فلسطین با پایداری در مقابل استبداد و ظلم آثاری حماسی و بشری خلق کرده‌اند. در ایران قبل و بعد از اسلام نیز به مسئله جنگ و دفاع پرداخته شده است. مسئله کربلا و روز عاشورا زمینه‌ساز آثار ادبی با محوریت موضوع مقاومت و پایداری است.

ادبیات دفاع مقدس

ادبیات دفاع مقدس «به مجموعه نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که درونمایه موضوع آن به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن باز می‌گردد. در نگاهی

وسیع تر می توان طیفی گسترده تر و جغرافیایی فراخ تر برای این عنوان تصوّر کرد و با تکیه بر ویژگی های مقدّس بودن که تداعی قلمرو الهی و دینی برای این نوشته ها و سروده ها تداعی می کند» (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۵). این نوع ادبیات برگرفته از دو واژه «دفاع» و «مقدّس» و مفهومی خاص است که زیرمجموعه ادبیات پایداری به شمار می آید و «به محدوده شناخته شده و تعریف شده خاصّی از کلیت ادبیات جنگ ایران و عراق نظر دارد» (کمری، ۱۳۹۰: ۱۲۲) و آثاری را در بر می گیرد که به باورها و ارزش های مقدّس دینی و مذهبی ای توجّه دارد که منشأ شکل گیری دفاع مقدّس بوده است. این ادبیات شرح دلاوری ها و پایداری هایی است که در آن ترس از مردن، ناامیدی و یأس، جایگاهی ندارد. شخصیت اصلی و قهرمان ادبیات دفاع مقدّس به جای ترس از دشمن، فرار از او و در واقع به جای گریختن از مرگ و نیستی، به انگیزه والایی می اندیشد. انگیزه های الهی که همان شهادت است؛ بنابراین «۱) ادبیات دفاع مقدّس ادبیاتی است که مربوط به حوزه مشخصی از جنگ تحمیل شده از سوی عراق به ایران است؛ ۲) قهرمان این ادبیات با انگیزه دفاع و در آرزوی شهادت می جنگد؛ ۳) قداست این دفاع ریشه در تفکر جهادی و شیعی دارد؛ ۴) ساختار مفهومی این ادبیات بین دو محور واقعه عاشورا و الگوهای آن تا رسیدن به حکومت جهانی مهدی موعود واقع شده است» (امیری خراسانی و هدایتی، ۱۳۹۳: ۳۹).

تأثیر زبان شعر در دفاع مقدّس

یکی از انواع زبان، زبان شعری است که عامل موفقیت شاعران است. شعر زبانی عاطفی، خیال انگیز و برانگیزاننده دارد و شاعر تلاش می کند تا از طریق برخورد عاطفی با مخاطب ارتباط برقرار کند؛ به همین دلیل با بهره گیری از فنون ادبی (معانی، بیان و بدیع) احساسات خواننده را بر می انگیزد. این برانگیختگی و تهییج هم برای انجام کاری صورت می گیرد یا انصراف از آن. فن معانی درباره شیوای کلام و مطابقت آن با مقتضای حال سخن می گوید. فن بیان از ادای مخیل یک معنا به شیوه های گوناگون بحث می کند و فن بدیع سبب ایجاد ذوق و نشاط در طبع خواننده می شود؛ بنابراین هر چه قرینه های یک شعر خیال انگیزتر و دیرپاب تر باشند، ارزش ادبی آن ها افزایش می یابد. البته باید در نظر داشت که دیرپایی شعر

نباید به اندازه‌ای باشد که شعر را مبهم کند؛ چرا که «ابهام، در بلاغت سنتی اسلام و یونان، اغلب از عیوب فصاحت به حساب می‌آمده و معمولاً به آن با ذهنیتی منفی می‌نگریسته‌اند؛ چنانکه در سنت اسلامی، حداقل تا قرن دهم با عنوان تعقید لفظی و معنوی از آن تعبیر می‌کرده‌اند» (کرمی و مظاهری رودبالی، ۱۳۹۵: ۳۲).

این امر درباره‌ی انواع شعر صدق می‌کند و شعر پایداری و دفاع مقدس از این امر مستثنی نیست. در اشعار جنگ و دفاع مقدس نیز شاعران از فنون و آرایه‌هایی استفاده می‌کردند که در عین داشتن عنصر تخیل، قرینه‌هایی ساده و سهل‌الوصول داشتند؛ چراکه اکثر خوانندگان این نوع اشعار با علوم و فنون ادبی آشنایی نداشتند و به کار بردن فنون پیچیده ادبی، سبب می‌شد که مخاطبان علاقه‌ای به شنیدن و خواندن اشعار نامفهوم نداشته باشند و تلاش شاعر بی‌نتیجه بماند و تأثیری نداشته باشد. در صورتی که اگر در شعرها و شعارهای پایداری و دفاع مقدس، زبانی ادیبانه و مخیل به کار گرفته شود، و شرط سادگی قرینه‌ها رعایت شود، تهییج و اثربخشی آن چند برابر می‌شود. شاعران دفاع مقدس با آگاهی از این امر سعی کردند با صراحت و سادگی زبان، منظور خود را به مخاطبان القاء و آنان را به مبارزه و جنگ با دشمن ترغیب و تهییج کنند. از آنجایی که زبان و ذهن انسان با هم در ارتباط است؛ بنابراین شاعر با سرودن شعر، زبان شعری خاص خود را به نمایش گذاشته و اندیشه خود را انتقال می‌دهد؛ زیرا زبان شاعر همان دیدگاه و اندیشه اوست.

نگاهی گذرا به زندگی سعید بیابانکی

سعید بیابانکی در چهارم مهر ۱۳۴۷ در خمینی شهر اصفهان متولد شد. او شاعری را از سن ۱۵ سالگی آغاز کرد. مشوق بیابانکی در این کار مستخدم مدرسه‌اش بود. او پس از ورود به انجمن ادبی سروش و انجمن ادبی صایب اصفهان، از محضر استادانی چون صاعد اصفهانی، خسرو احتشامی، محمد مستقیمی و خلیل بلدی بهره گرفت. بیابانکی تحصیلات خود را در رشته مهندسی کامپیوتر در دانشگاه اصفهان گذراند و از سال ۱۳۶۴ به صورت جدی به شعر پرداخت. اولین کتاب شعر او به نام ردّ پایی بر برف در سال ۶۹ منتشر شد، ولی شهرت وی به عنوان یک شاعر صاحب سبک با زبانی محکم، در سال ۱۳۷۶ با انتشار کتاب نیمی از خورشید اتفاق افتاد. همچنین مجموعه شعر نه تورنجی نه اناری را در سال

۱۳۸۲ منتشر کرد. از دیگر آثار او می‌توان به نامه‌های کوفی، سنگچین، یلدا، هی شعر تر انگیزد (مجموعه شعر طنز)، سکتۀ ملیح، چقدر پنجره، جامه‌دران، لبخندهای مستند و نثرهای کوتاه طنز اشاره کرد (ر.ک: رفیعی، ۱۳۹۵). البته این شاعر در زمینه شعر کودک نیز پنج کتاب دارد و هم اکنون عضو شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. بیابانکی بیشتر شعر کلاسیک، به ویژه غزل، رباعی و ... سروده و کمتر به شعر سپید پرداخته است.

بحث

تلاش اصلی شاعر در عرصه ادبیات پایداری آن است؛ که در شعرش، امید به آینده، نوید پیروزی، دعوت به مبارزه، ایستادگی در برابر ظلم و ستم و ستایش آزادی و آزادگی را انعکاس دهد و مخاطبان را به تغییر وضعیت موجود امیدوار و ترغیب کند؛ از این رو، در ادامه این پژوهش، تلاش نگارندگان بر آن است تا با واکاوی و کنکاش در شعر سعید بیابانکی، بن‌مایه‌های پایداری را بررسی و تبیین کنند.

ستایش از حماسه‌سازی رزمندگان و شهدا

یکی از مضامین پایداری که در سروده‌های بیابانکی که، بدان پرداخته شده است، ستایش از حماسه‌سازی رزمندگان و شهدای دفاع مقدس است. در شعر انقلاب به‌ویژه سروده‌های دفاع مقدس، مرگ (شهادت) هم شکوهمند است، هم حماسه‌گونه، عارفانه و جامعه‌ساز است و هم حسرت آفرین. اندوه شاعر به دلیل عدم ادراک شهیدان تقریباً در تمام سروده‌ها دیده می‌شود.

شهادت را می‌توان محوری‌ترین عنصر ادبیات مقاومت و دفاع مقدس دانست؛ زیرا شهادت تنها از خودگذشتگی و فداکاری نیست، بلکه عبارت است از، از خودگذشتگی و فداکاری توأم با بیدار کردن و زنده نمودن تمام انسان‌ها از حالت خفتگی و بی‌توجهی، لذا شهید به واسطه شهادتش خون در رگ و پیوند افراد مرده و خفته اجتماع تزریق می‌کند و آن‌ها را زنده و بیدار می‌سازد (ر.ک: ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۸). سروده‌های سعید بیابانکی درباره شهدا و فرهنگ شهادت، نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی، زیستنی دیگر به جامعه آموخت.

تحوّل در بینش، روش و منش ادبیاتی را همراه آورد که در گذشته ادبی ایران بی سابقه است. درونمایه شعر این دوره را در هیچ دوره‌ای از ادبیات گذشته نمی‌توان یافت؛ چرا که در تاریخ گذشته ایران حادثه‌ای (دوره هشت ساله دفاع مقدس) چنین با این جهان‌بینی و نگاه به اسلام و مضامین فرهنگ اسلامی تحقق نیافته بود. اگر بپذیریم هر تحوّل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، ادبیاتی هم‌رنگ خویش را خواهد پرورد، به دلیل بی‌بدیل بودن انقلاب، نباید انتظار داشت جریان ادبی همچون گذشته در متن انقلاب دیده شود، هر چند انقلاب و ادبیاتش ریشه در ادبیاتی کهن و شگرف دارد که آبشخور اصلی آن فرهنگ عظیم اسلام است. به هر حال در انقلاب اسلامی مضامین قرآنی، شور شیعی و بارزتر از هر چیز، فرهنگ عاشورایی، در تار و پود جامعه دمیده شد. شهادت، گذشته از همه هستی، حیات و تپشی نو به جامعه بخشید. همین باور، صحنه‌هایی را در طی هشت سال پایداری و دفاع رقم زد که شاعر و نویسنده که عمدتاً خود شاهد و حاضر در این صحنه‌ها بود نمی‌توانست ساده از کنار آن بگذرد:

لاله در این بوستان خونین کفن افتاده است
 پیرهن افتاده است حسن یوسف گوشه‌ای بی
 هر گلی در این چمن سرمست می‌روید ز خاک
 بس که در این باغ، جام از دست من افتاده است
 بس که تاریخ است این صحرا و دل‌ها داغدار
 هر گلی امشب به فکر سوختن افتاده است
 ای نسیم آهسته پا بگذار، چون هر گوشه‌ای
 نسترن افتاده است و یاسمن افتاده است
 سر جدا، پیکر جدا، این سرنوشت لاله‌هاست
 این عقیق تر بین دور از یمن افتاده است
 (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۴۳)

بی‌پروایی از مرگ، این برانگیختگی، بیداری و رستاخیز عارفانه و عاشورایی، نسلی را پرورد که به شوق در میدان‌های مین می‌شتافتند، در آتش و بارش آهن و مرگ پیش می‌رفتند و نارنجک به کمر بسته، نمای استخوان و گوشت را به خشونت زنجیرهای تانک می‌سپردند و خاکستر خویش را به دوست تقدیم می‌کردند. این شهادت‌ها و رشادت‌ها، شاعران را به سروده‌هایی می‌رساند که طنین مرگی عارفانه، عاشقانه و عاشورایی را در شعر خویش دارند.

سعید بیابانکی در این شعر با اشاره به معنای نمادین گل لاله، سرخی لاله‌های سرزمین ایران

را ناشی از خون شهیدانی می‌داند که در دفاع از وطن بر روی این خاک مقدس ریخته شده است. لذا کاربرد این صور خیالی (ارتباط لاله با خون شهیدان) از یک بار عاطفی انسانی سرشار شده و در خدمت یکی از پایدارترین ارزش‌های دفاع مقدس درآمده است. شاعر در این سروده با مانند کردن شهیدان به گل‌های لاله، حسن یوسف، نسترن و یاسمن، استعارات زیبایی خلق کرده است. در واقع یکی از ویژگی‌های بارز این شاعر به خدمت گرفتن عناصر طبیعت به ویژه گل‌ها و گیاهان در بیان مضامین پایداری است. از نکات جالب این سروده این است که شعر با لاله آغاز شده و در بیت آخر نیز با سرنوشت لاله‌ها، به پایان رسیده است. در بیت آخر نیز استعاره لاله (شهادت کربلا) و عقیق تر (امام حسین) دیده می‌شود. این شعر عاشورایی بیابانکی یادآور حماسه بزرگ عاشورا و بیانگر جایگاه سرور شهیدان و خاندان و یاران پاک آن حضرت است.

مهم‌ترین و با ارزش‌ترین نماد در ادبیات دفاع مقدس برای بیان پایداری و مقاومت، شهید است، سعید بیابانکی در شعر مزبور با اشاره به ایثار و شجاعت‌های رزمندگان، می‌خواهد به نسل‌های آینده بفهماند که آن‌ها چگونه در برابر هجوم دشمن برای حفظ خاک میهن از جان و مال خود، مایه گذاشتند تا روحیه مقاومت و سلحشوری را در مخاطب حفظ کند. به قول سنگری «شهادت در سروده‌های جنگ هم شکوهمند و حماسی و عارفانه و جامعه‌ساز است و هم حسرت آفرین» (سنگری، ۱۳۸۷: ۱۵۴).

بیابانکی در شعر «طولانی فریاد» به این مضمون پرداخته است. او شهیدان را پاک‌ترین انسان‌ها دانسته و به این دلیل که نتوانسته است در این حماسه نقشی ایفا کند، احساس شرمندگی می‌کند:

جاده مانده است و من و این سر باقی مانده	رمقی نیست در این پیکر باقی مانده
نخل‌ها بی‌سر و شط از گل و باران خالی	هیچ کس نیست در این سنگر باقی مانده
توئی آن آتش سوزنده خاموش شده	منم این سردی خاکستر باقی مانده
گرچه دست و دل و چشم همه آوار شده است	ام از این سر باقی مانده باز شرمنده
پیش کش باد به یک رنگی ات ای پاک‌ترین	آخرین بیت در این دفتر باقی مانده

تا ابد مردترین باش و علمدار بمان با توأم ای یل نام‌آور باقی مانده
(همان، ۴۱)

آنچه در این شعر به چشم می‌خورد، وجود تعبیر خاص جنگ و جبهه است. مانند: سنگر، آتش سوزنده، خاکستر، آوار، خنجر. همچنین وجود آرایه جمع میان جاده، من و سر در بیت اوّل، دست و دل و چشم در بیت سوم، ایهام در واژه علمدار، استعاره در نخل‌های بی‌سر، تشبیه شهید به آتش سوزنده خاموش شده و تشبیه خود (شاعر) به سردی خاکستر باقی مانده، محتوای عاطفی و احساسی این شعر را در مقابل دیدگان مخاطب مجسم ساخته است.

سعید بیابانکی در غزل «قلم به دست»، همچون سروده اخیر، ضمن توصیف حماسه‌سازی و جان‌فشانی شهدا، خود را سرزنش می‌کند که در برابر این حماسه‌سازی شهدا نتوانسته است کاری انجام دهد.

اعتراض و هشدار

یکی از ویژگی‌های بارز شعر انقلاب، به ویژه پس از جنگ، اشاره به شرایط ناامیدکننده جامعه در مقایسه با زمان جنگ است که شاعران این حوزه به روش‌های گوناگون به آن اشاره و در واقع اعتراض می‌کنند.

ادب اعتراض آن دسته از سروده‌ها و نوشته‌هایی را گویند که روح اعتراض، انتقاد و مقاومت نویسنده یا شاعر، در برابر عوامل تحمیلی اجتماعی و سیاسی و گاه اقتصادی حاکم، در آن منعکس شده باشد (ر.ک: پشت‌دار، ۱۳۸۹: ۱۵۸) که با توجه به روحیه طغیانگر و سرکش این نوع نوشته‌ها باید آن‌ها را جزو ادب پایداری و در ادامه مقاومت ملت‌ها دانست؛ زیرا اعتراض بدنه‌ای جداگانه از مفاهیم و مصداق‌های ادبیات پایداری و در عین حال بسیار اساسی و مهم است (ر.ک: صدقیان‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۶) و هدف از آن اصلاح و بهبود اوضاع جامعه است.

شاعرانی که جامعه زمان جنگ را پر از صفا و صمیمیت و یکرنگی و اتحاد دیده بودند، پس از جنگ، شاهد ریاکاری برخی افراد برای رسیدن به مقام و مرتبه بودند. سعید بیابانکی این مقوله را در این شعر بیان کرده و با طعنه‌ای تلخ، پدرش را بی‌نیاز از تمام خواهش‌ها به

تصویر می‌کشد.

جنبه دیگر شعر پایداری، اعتراض به فراموشی روزهای جنگ و پایداری، رشادت‌های رزمندگان و شهیدان است. در این گونه اعتراض، شاعر بی‌هیچ پویایی و با لحنی تند، نسبت به از یاد رفتن شهیدان و جان‌فشانی‌های آنان و همچنین با نارضایتی از وضع موجود زبان به اعتراض می‌گشاید:

چقدر قمری بی‌آشیان در آوردیم	میان خاک سر از آسمان در آوردیم
چقدر خاطره نیمه جان در آوردیم	و جب و جب تن این خاک مرده را کن‌دیم
چقدر آینه و شمعدان در آوردیم	چقدر چفیه و پوتین و مهر و انگشتر
فقط ترانه سرودیم - نان در آوردیم	... شما حماسه سرودید و ما به نام شما
چقدر از خودمان داستان در آوردیم	برای این که بگوییم با شما بودیم
برای این سر بی‌خانمان در آوردیم	به بازی‌اش نگرفتند و ما چه بازی‌ها
قلم به دست شدیم و زبان در آوردیم	و آب‌های جهان تا از آسیاب افتاد

(همان، ۵۴)

در این نوع اشعار سعید بیابانکی، اندوه و حسرت، به مراتب طنین‌اندازتر و فراگیرتر می‌شود، چون شاعر بار اندوه عمیق و سرشار از عاطفه انسانی، دریغ و حسرت جامانده از خیل شهیدان، احساس تنهایی و غربت، احساس شرمندگی از یاران سفرکرده، محرومیت از فیض جانبازی، حسرت عدم درک و دریافت تجربه حضور در جبهه‌های جنگ را بر دوش می‌کشد. شعر او در این زمینه لحنی آمیخته با حزن و اندوه است و در اوج استواری به بیان آرزوهای قلبی شاعران می‌پردازد. آرزوهایی که نوعاً بهره‌مندی از مقام شهادت، یا در صورت امکان رسیدن به شهادت، عروج به سوی آسمان سبز رحمت، رهایی از دنیای دون و آلوده به شهوت‌ها، دستیابی به آزادی و عدالت همراه با عشق به کشور و علاقه به آرمان‌ها را حکایت می‌کنند. گاهی هم اعتراض به عملکرد بعضی از مردم یا مسئولین جامعه چاشنی سروده‌های او می‌شود.

همچنین کارکرد نمادهای دفاع مقدس در این سروده، برجسته است، چفیه، پوتین، مهر، انگشتر

و آینه نمادهایی هستند که بعد از گذشت سال‌ها، نمای دفاع مقدس را به تصویر می‌کشند. این نمادها (چغیه، پوتین، مهر، انگشتر) یادآور شجاعت‌ها و رشادت‌های مردان بزرگی است که با ایثار جان خویش از خاک ایران در برابر هجوم دشمنان بعثی پاسداری کردند. آینه هم می‌تواند نماد پاکی، صفا و زلالی این شهیدان باشد؛ چرا که از دیرباز در ادبیات فارسی آینه کاربرد نمادین داشته است و همواره نماد «شفافیت، صداقت و صفای خویش» (نورایی، ۱۳۹۳: ۳۹) بوده است.

تناقض زیبایی در بیت اول دیده می‌شود: «میان خاک سر از آسمان در آوردیم». این مصرع به سروده وجه معنوی و آسمانی می‌بخشد؛ چرا که بیابانکی در کنار این تناقض و پارادوکس به پاک و آسمانی بودن خاکی که پیکر شهید در آن آرمیده است، اشاره می‌کند. شاعر با به کار گرفتن تکرار واژه «چقدر» به زیبایی، فراوانی و بسیاری شهدا را نشان داده است. استفاده از ضرب‌المثل از شگردهای این شاعر است که نمونه آن در بیت آخر دیده می‌شود، آنجا که می‌گوید: «و آب‌های جهان تا از آسیاب افتاد». همچنین سادگی زبان شاعر بسیار زیبا است. بیابانکی مضامین پایداری را در زبانی ساده و خالی از هر گونه پیچیدگی بیان می‌کند. او اعتراض و انتقاد خود را با زبانی ساده بیان می‌کند، این که چگونه حماسه شهدا، دستمایه نان درآوردن برخی از شعرا شده است.

شاعر در شعر زیر نیز، رشادت‌ها و دلیری‌های رزمندگان دفاع مقدس را به تصویر درآورده و غم و اندوه خویش را از نبود آن‌ها بیان کرده است. از نظر او شهید همانند سرو پابرجا و همیشگی است:

گلی که گوش به زنگ نماز باران است	گواه تشنگی دشت‌های عریان است
شقایقی که در این کوه سر به دامان است؟	نشسته است به سوگ کدام سرو شهید
میان مزرعه آفتابگردان است	من آن مترسک کورم که روز و شب حیران
هنوز منتظر میرزا تقی خان است	عجب حکایت تلخی که تیغ حمامی
کجایی ای اخوان؟ باز هم زمستان است	کسی سلام مرا پاسخی نخواهد داد

(بیابانکی، ۱۳۹۴: ۴۷)

نکات قابل بحثی در این سروده وجود دارد؛ یکی استفاده شاعر از نماد شقایق است.

«شقایق با توجه به اسطوره یونانی آدونیس که از خون بر زمین ریخته آن شقایق دمید، نماد باستانی مرگ و اندوه است. همچنین از خون عیسی بر روی صلیب بر طبق سنت قرون وسطائی شقایق روید و از اینجاست که در نقاشی‌های مربوط به مصلوب کردن مسیح و تابلوهای مریم در حال اندوه دیده می‌شود» (هال، ۱۳۸۰: ۲۹۶).

نکته دیگر، انتقاد از وضعیت موجود است و با تلمیح به داستان شهادت امیرکبیر و تضمینی از شعر اخوان ثالث، اعتراض و انتقاد خویش را بیان می‌کند. امیرکبیر، عوام‌زاده‌ای بود که به پاس شایستگی‌هایش در دستگاه قائم مقام فراهانی، به پایگاه رفیعی در دربار ناصری رسید و در همانجا، برخی از عمیق‌ترین اصلاحات در تاریخ معاصر ایران را شروع کرد. این سروده اعتراض شاعر به کم‌رنگ بودن جایگاه شهداست.

در این غزل فراوانی گل‌ها و گیاهان و دیگر عناصر طبیعت دیده می‌شود: گل، سرو، شقایق، آفتابگردان، دشت، باران، کوه، مزرعه و زمستان. همچنین کنایه گوش به زنگ بودن، به کار گرفتن ایهام در واژه زمستان، استعاره مکئیّه از نوع تشخیص در گل و شقایق، تشبیه مرکب شاعر به مترسک کور، تلمیح به ماجرای شهادت امیرکبیر و استفاده از نماد شقایق در القای مضامین پایداری، بر زیبایی این سروده افزوده است.

عشق به وطن و ستایش آن

در لغت‌نامه، در تعریف وطن آمده است که «وطن جای باشِ مردم، محلّ اقامت، مسکن، جای ماندن طولانی شخص، خواه در آن زاده شده باشد یا نه، کشوری که شخص در آن زاده شده یا تابعیت آن را دارد، معنی شده است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه). در اصطلاح علوم سیاسی، وطن در دو مفهوم به کار رفته است:

«۱- سرزمین یا کشوری که قرن‌ها مردانی با هم در آن زندگی کرده و غم و شادی، نیک و بد و رنج و راحت آن را با هم دیده و آزموده‌اند و به صورت تاریخ، مهم‌ترین وقایع آن برایشان مجسم شده است. وطن نزد عوام و در ادبیات قدیم، به معنی محلّ تولّد و سکونت بوده است.

۲- محیطی که انسان از لحاظ عواطف قومی و روحی بدان علاقه‌مند است یا در آن

متولد شده و نشو و نما کرده است و در غربت نیز در هوای آن است» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ذیل وطن).

یکی از جلوه‌های پایداری، عشق به وطن و ستایش آن است و شاعران هر کشور معمولاً آن را در شعر خود فراهم آورده‌اند. «وطن دوستی نمود وابستگی انسان به زادگاه خویش است که این پدیده بدون علت و سبب در احساس و عواطف انسان جای نمی‌گیرد، بلکه مجموعه ارزش‌هایی است که به هم پیوسته‌اند و نهال وطن دوستی را در شعر انسان غرس می‌کنند» (محمود، ۲۰۰۳: ۲۱). شور و عشق به وطن ریشه در تاریخ و گذشته ملت ایران دارد که تصویر آن در آیین ادبیات متجلی است، حجم زیاد اشعاری که درباره وطن سروده شده است تأییدکننده این موضوع است. البته قابل ذکر است که «در شعر دفاع مقدس، میهن دوستی و وطن پرستی حضور پررنگ و برجسته‌ای دارد؛ در تطابق اندیشه‌های ملی و دینی با طرح روایت حب الوطن من الایمان به قول شارع مقدس و دین اسلام سبب شد تا ایرانیان در چشم‌انداز عشق به میهن، آرمان‌های دینی را مد نظر قرار دهند» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۶۸).

سعید بیابانکی نیز از جمله شاعرانی است که عشق به وطن و روح ایران دوستی در سروده‌هایش موج می‌زند. به عنوان نمونه شعر «برای ایران سربلند» که در آن شاعر، سرزمینش، ایران را معرفی می‌کند. در نظر شاعر، ایران دردمند، سرزمینی است که در طول تاریخ با وجود همه گزندها، پیروز و سرافراز شده است. وطن در این سروده از نظر او، ایران بزرگی است که از دوران اساطیر آغاز می‌شود و عرصه جغرافیایی آن بسی پهناورتر از آن است که اکنون هست. ضعف‌ها و شکست‌ها را کمتر به نظر می‌آورد و بیشتر جویای جلوه‌های پیروزمندان وطن است و بهترین جلوه این نگرش شاعر را در شعر زیر می‌خوانیم که در آن وطن را مادر اسطوره‌ای خود معرفی می‌کند:

میهنم! ای موطن مردان نامیرا!	با توأم! ای سرزمین راست قامت‌ها!
سربلند از خان آتش سر برآوردی	خم به ابرویت نیامد از ملامت‌ها
میهنم! در قحط سال ناسپاسی‌ها	من تو را چون عطر باران دوست خواهم داشت
میهنم از چارسوی این جهان چندی است	بارندنار فیکان بر تو سنگ کینه می

مادر اسطوره‌ای! هر جای این دنیا مردمانت عاشقانه دوستت دارند
(بیابانکی، ۱۳۹۳: ۶۰)

سعید بیابانکی در بیت پایانی، نهایت وطن دوستی خویش را به تصویر درآورده است؛ از نظر او، وطن مانند مادر انسان است، در حقیقت وطن ارزش آن را دارد که جان‌ها فدایش شوند، چون عزت و ذکت هر قوم رابطه مستقیمی با آزادی و یا اشغال وطن او دارد. همان ارزش و عزتی را که مادر برای یک انسان دارد، دقیقاً وطن هم دارد و باید هم داشته باشد، برای این که هر دوی این‌ها، برای زنده ماندن انسان جایگاهی یکسان دارند. البته در این سروده شاعر نه تنها به نهایت وطن دوستی خویش اشاره می‌کند، بلکه عشق وافر و عاشقانه ایرانیان به میهن را نیز بازگو می‌کند، آنجا که می‌گوید «مردمانت عاشقانه دوستت دارند».

بیابانکی در این سروده با تشبیه مضمَر رویدن دست، تشبیه شاعر به داس و خرمنکوب، تشبیه دست‌های عاشق خود به گیاه، تشبیه عشق به وطن همچون علاقه به عطر باران و وطن به مادر اسطوره‌ای، اضافه تشبیهی سنگ کینه و قحط سال ناسپاسی‌ها، استعاره مردان آسمانی (آسمان مردان)، تکرارها، کنایه خم به ابرو نیاوردن و ... کلام را از حالت معمولی خارج می‌سازد و سبب خیال‌انگیزی آن می‌شود.

دلبستگی سعید بیابانکی به اصفهان به عنوان بخشی از پیکره ایران اسلامی، یکی دیگر از جلوه‌های وطن دوستی اوست که در شعر وی بازتاب یافته است. شعر «برای اصفهان... شهر ایستاده در غبار» نمونه بارز میهن پرستی سعید بیابانکی است. به راستی وی در این سروده، نشان می‌دهد که یکی از بنیان‌های هویت هر جامعه‌ای ستایش وطن است و بسیاری از نویسندگان و شاعرانی که در دوره‌های مختلف سرزمینشان در گیر و دار مشکلات بوده است، زبان به ستایش از وطن و دفاع از آن گشوده‌اند. این مضامین به عنوان جوهره و اصل هویت ایرانی در دوره‌های اخیر در ادبیات فارسی نمود فراوان پیدا کرده است:

عروس آینه پوش غزل گرفتارت	هلا نجابت شب آسمان گلدارت
شوم اسیر و نبینم به زیر آوارت خدا کند که میان چهل ستون آوار
پرنده‌های سبکبال را به دیدارت	چه شد طراوت زاینده‌ای که می‌آورد

سی و سه بار به تسبیح اشک مویدم
 مگردوباره بینم صبور و سرشارت
 چه کام‌ها که به کام تو تلخ شد، اما
 دوباره ملتمس دامن گنهکارت
 نگفتمت که مخند و نگفتمت که بموی
 که چشم شور فلک می‌کند نمک‌زارت
 (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۶۰)

مشاهده شد که سعید بیابانکی جلوه‌های زیبایی وطن را در زیبایی‌های اصفهان می‌بیند، مسجد شیخ لطف الله، سی و سه پل، چهل ستون، زاینده رود نمادها و نشانه‌هایی از وطن پهناور ایران اسلامی است که شاعر با تکیه بر آن‌ها، ارادت خویش را به این سرزمین اهورایی به تصویر کشیده است.

در این غزل با تشبیهات فراوان مواجهیم که از ویژگی‌های بارز اشعار بیابانکی است. تشبیه شب به انسان نجیب، تشبیه ستاره‌های آسمان به گل (آسمان گل‌داریت)، تشبیه غزل به عروس آینه‌پوش، تشبیه سقف گنبدی مسجد شیخ لطف الله به آسمان دوار، تشبیه نوای چکش و سندان میان بازار اصفهان به خلوت کریاس و شور موسیقی، تشبیه دل به زنجیرهای اسلیمی. در بیت آخر شاعر هنرمندانه، با استفاده از باور عامیانه چشم زخم و آرایه جان‌بخشی، از اصفهان می‌خواهد که نخندد، بلکه اشک بریزد و مویه کند تا چشم شور و بد فلک او را گرفتار نسازد.

مطرح کردن الگوهای تاریخی اسلام

الگوگیری و شبیه‌سازی به بزرگان، همواره یکی از راه‌های هویت‌یابی و ساخت شخصیت است؛ چراکه انسان به دنبال کمالات و خوبی‌هاست و یافتن این خوبی‌ها در این الگوها ممکن است. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران بر اساس مذهب تشیع بنا شده است و بانی آن عالم مذهبی، امام خمینی (ره) بوده و از اقبال مردم و جایگاه خاص مذهب برخوردار بوده است؛ جریان ادبی این دوره، جانمایه و مضمون غالب را از دریای شریعت تشیع کسب کرده است. واژگان، اصطلاحات و معناهای بلند درج شده در قرآن، حدیث معصومین، دعاها و زیارات و سخنان عالمان دین به فراوانی در شعر این دوره حضور دارد. مناقب و مراثی خاندان حضرت رسول (ص) به طور پرداخته در شعر شاعران پدیدار گشته است. این حضور، با فخامت و فراوان، چنان است که کمتر شاعری از شاعران انقلاب را

می‌توان یافت که در منقبت، سروده‌ای نداشته باشد، و این در حالی است که پیش از این مرثیه و منقبت‌سرایی به شاعرانی خاص منحصر می‌شد و دیگران یکی دو اثر به جهت درج در طلیعۀ دیوان، در توحید یا توصیف حضرت رسول (ص) و امیر مؤمنان (ع) و یا نیایش می‌سرودند. اما بعد از انقلاب اسلامی، وضعیّت تغییر کرد و موضوعات مختلف دینی و مذهبی همچون؛ نماز و احکام دین، فرهنگ عظیم عاشورا، توصیف ائمه خصوصاً حضرت حجّت (عج)، وصف قرآن، مقام حضرت امام (ره)، رهبری و ولایت و شهید و شهادت با بسامد بالایی رواج پیدا کرد. افزون بر این، در فرهنگ اسلامی به ویژه تشیع، ائمه معصومین نماد مقاومت و پایداری در برابر ظلم و ستم بوده‌اند. پایمردی پیامبر (ص)، شجاعت و عدل امام علی (ع)، صبوری و پایداری حضرت فاطمه زهرا (س) و عاشورای حسینی موضوعاتی هستند که شاعران در مدح‌ها و مرثیه‌هایی که برای ایشان می‌سرایند، اهداف سیاسی و انقلابی را دنبال می‌کنند و در حقیقت اشعاری با این مضمون، فراخوانی نیرومند به جهاد سیاسی و اجتماعی است و به همین خاطر است که معتقدند «رنگ قیام، اندوه و نیازمندی از خصایص شیعه متعهد است» (رجایی، ۱۳۸۲: ۷۰)؛ از این رو، تاریخ اسلام به ویژه تاریخ تشیع، سرشار از الگوهای است که هر کدام از آن‌ها نقش مهمی در هویت بخشیدن به جامعه ایرانی دارند. شخصیت‌هایی مانند: پیامبر (ص)، امام علی (ع)، امام حسین (ع)، امام رضا (ع) و... الگوهای هستند که همواره در عرصه پایداری و مقاومت، به آن‌ها و سیره مبارزاتیشان تأسی شده است. در آثار سعید بیابانکی، اشعار فراوانی در مورد اهل بیت (ع) وجود دارد. به عنوان مثال دفتر شعر «جامه‌دران» سرشار از اشعار آیینی شاعر است که در آن به توصیف و تمجید از الگوی دینی پرداخته است.

باید اشاره کرد که حضرت فاطمه زهرا (س) به عنوان یکی از اسوه‌های دینی مورد توجه شاعران عرصه مقاومت بوده است؛ زیرا صبر و پایداری یکی از فضائل اعلای اخلاقی است که نیروهای انسان را در رسیدن به هدف، مفید می‌سازد و علاوه بر جلوگیری از هدر دادن فعالیت‌های فردی ضریب اقتدار انسان را بالا می‌برد. از بدیهیات است که انسان را در میدان زندگی و با ورود به عرصه‌های گوناگون می‌توان شناخت و صبوری و پایداری افراد

را باید در بحران‌ها و شرایط، سخت سنجید. تاریخ زندگی حضرت زهرا (س) گویای واقعیت‌هایی در این مورد است. حضرت فاطمه زهرا (س) در هر سه محور صبوری رتبه عالی و مقام برتر اخلاقی را به دست آورده است. در صبر بر معصیت آن چنان استقامت دارد که به مقام عصمت، آن هم عصمت کبرا نائل شده است. در مقام صبر در عبادت بیشترین و بهترین عبادات را به جا آورده است. در مقام صبر در ناگواری‌ها هم در انواع نامالیقات امتحان داده و در آزمون الهی سربلند و عزیز بیرون آمده است. سعید بیابانکی با علم به ویژگی‌های شخصیتی حضرت فاطمه زهرا (س) شعر زیر را سروده است:

چکیده گل رخسار مصطفی زهراست	عصاره نفحات خوش خدا زهراست
سلاله خلف ختم مرسلین یعنی	خلاصه همه آیات انبیا زهراست
...مدینه! گوهر ما آرمیده در دل تو	گواه باش که گنجینه حیا زهراست
اگر در آتش کین سوخته است خانه او	تو دردمند بیا خانه شفا زهراست
گلی که خاک در آغوش خویش می‌کشدش	شبانہ بی‌کس و تنها و بی‌صدا زهراست
دلا سراغ مگیر از مزار پنهانش	نگاه کن ز کجا تا به ناکجا زهراست ...

(بیابانکی، ۱۳۹۲: ۱۶)

بیابانکی حضرت فاطمه را به چکیده گل رخسار مصطفی، عصاره نفحات خوش خدا، شیشه عطر گل محمدی، آینه مصطفی‌نما، گلی که باغ شهادت از او به بار نشست، چراغدار شهیدان کربلا، شکوهمندترین هدیه خدا پس از قرآن، ناخدا، گنج گرانبها، گوهر، گنجینه حیا، خانه شفا و گل مانند کرده است. حسن تعلیل‌های شاعر درباره این تشبیهات جالب توجه است: حضرت زهرا (س) آینه مصطفی‌نماست چون زلال نور رسالت در او نمایان است. از طوفان مصایب باکی نداشته باش؛ زیرا ناخدا زهراست. یا مگو که راه رسیدن به عشق دشوار است؛ چرا که فاصله‌اش از حسین تا زهراست، که همه این‌ها گویای عشق و ارادت شاعر به حضرت زهرا (س) است.

افزون بر این، شاعر در شعر «کوه»، نیز حزن و دلتنگی خویش را از شهادت این بانوی بزرگوار بیان کرده است. مرثیه و مداحی و ستایشگری ائمه علیهم‌السلام در حقیقت ستایشگری نیکی و معنویت و جهاد است. ستایشگری خورشید امامت و ولایت است.

خورشید حقیقتی که سعی شد آن را بپوشانند، اما همین زبان‌های گویا نگذاشتند. سعید بیابانکی یکی از همین زبان‌های گویاست که به درستی از عهده این امر برآمده است. وی با زبان شعری ساده که مورد قبول طبع عامه مردم است، به ستایش آن بزرگواران می‌پردازد. در این میان حضرت علی (ع) شخصیتی است استثنایی و بی‌نظیر که منحصر به یک گروه یا عقیده و مرام خاصی نیست و از نخستین روزهای طلوع پرفروغ اسلام تاکنون، پیروان ادیان و مذاهب گوناگون و حتی کسانی که از مذهب خاصی پیروی نمی‌کنند، مجذوب ابعاد و شخصیت والای ایشان شده‌اند و هر یک درباره جنبه‌ای از جنبه‌های زندگی پربار ایشان به اظهار نظر پرداخته‌اند. ادیبان و شاعران نیز از این امر مستثنی نبوده و هر یک به فراخور دانش، استعداد، گرایش و ذوق خویش در توصیف ایشان قلم زده‌اند و شعر سروده‌اند. با نگاهی گذرا به ادبیات فارسی در می‌یابیم که مولای متقیان حضوری بسیار پررنگ در ادبیات فارسی داشته است. سعید بیابانکی در شعر «درنگ» از مجموعه اشعار «جامه‌دران» به ستایش حضرت علی (ع) و سجایای اخلاقی ایشان می‌پردازد؛ تقوا و ایمان، شجاعت، صبوری، ساده‌زیستی و یتیم‌نوازی از ابعاد شخصیتی امام علی (ع) هستند که شاعر با کمک گرفتن از صورخیال بیان کرده است، همچون: استعاره مکینه آسمان، عشق، تیغ، تشبیه حصیر به تخت پادشاهی و گرم به فرش آستانه. همچنین به کار گرفتن عناصر طبیعت مانند: شب، طلوع، آسمان، فلک، سنگ، آفتاب.

ای سجود باشکوه و ای نماز بی‌نظیر	ای رکوع سربلند و ای قیام سر به زیر
در هجوم بغض‌ها ای صبور استوار	در میان تیرها ای شکست‌ناپذیر
شرع را تو رهنما، عقل را تو رهگشا	عشق را تو سر پناه، مرگ را تو دستگیر
فرش آستانه‌ات بوریایی از کرم	تخت پادشاهی‌ات دستبافی از حصیر
کیست این یگانه مرد، این غریب شب نورد	این که آشنای اوست هم صغیر و هم کبیر

(بیابانکی، ۱۳۹۳: ۹)

شاعر در این شعر ضمن بهره‌گیری از «اسطوره» برای پروراندن شخصیت‌ها از دیگر مؤلفه‌های پایداری بهره گرفته است. عمده‌ترین مؤلفه‌هایی که در این شعر وجود دارد

عبارتند از: نخست، بهره‌گیری از اِلمان‌ها و نمادهای ملی و مذهبی؛ دوم، برجسته کردن پیام‌های انسانی چون: آزادی، عدالت، حق‌خواهی و یتیم‌نوازی.

روشنی و صراحت شعر مقاومت به منظور برقراری ارتباط با مخاطب و تأثیرگذاری بیشتر است. سعید بیابانکی در شعر «علی» موفق به جلب توجه خوانندگان شده است. وی در آغاز به شب بیداری‌ها و مناجات‌های حضرت مولا در دل شب و درد دل با چاه که بسیار غم‌انگیز و دردناک است، سخن می‌گوید. این درد دل با چاه، به این دلیل است که حضرت، گرفتار جهل مردم زمان خودش بود. او مظهر کمال عقل و بصیرت بود و با جاهلان فراوانی روبه‌رو بود. ابن‌ملجم، یکی از نمونه‌های بارز این جهالت و قساوت و تحجّر است:

چاه تنها محرم اندوه پنهان علی (ع)	ماه تنها شاهد چشمان گریبان علی (ع)
ماه و خورشید این سخاوت پیشگان روز و شب	سکه ناچیزی از کشکول احسان علی (ع)
...ناتراز آمد به چشمانم ترازوهایت	تا که سنجیدم عدالت را به میزان علی (ع)
تیغ چون در یوزگان چشم انتظار و ملتمس	ریخت جان را پیش او فرق گل افشان علی (ع)
خوش به اقبال من عاشق که هر شب تا به صبح	چون چراغ لاله سوزم در بیابان علی (ع)

(همان، ۱۱-۱۲)

بیابانکی در این سروده با استفاده از استعارهٔ مکنیهٔ چاه و ماه، تشبیه ماه و خورشید به سکه، تشبیه تیغ به در یوزگان، تشبیه شاعر به چراغ لاله سوز، تشبیه چانهٔ امام به زنخندان، تشبیه فوران خون از فرق شکافتهٔ علی (ع) به گل افشانی کردن آن، تشخیص و جان‌بخشی به چاه، ماه، تیغ، شب، دشت‌ها و نخل‌ها، کاربرد عناصر طبیعت همچون: ماه، خورشید، روز، شب، دست، نخل، باران، بیابان، صبح، هنر و قدرت تخیل خود را در القای بهتر مفاهیم پایداری نشان داده است.

از دیگر اسوه‌های پایداری که مطمح نظر سعید بیابانکی بوده و در سروده‌هایش بدان پرداخته است؛ حضرت زینب (س) است. حضرت زینب (س) سمبل و نماد مقاومت، ایستادگی و عزت یک زن مسلمان است. چراکه اگر روشنگری آن حضرت نبود، عاشورا در کربلا می‌ماند و امروز مردم با پیام حسین بن علی (ع) آشنا نمی‌شدند. صبر و مقاومت

شاخصه این شخصیت بزرگوار است که همواره در ادبیات پایداری مورد توجه قرار گرفته است.

بهترین جلوه گاه برای شناخت شخصیت وجودی زینب (س) همان سفر تاریخی کربلا و مطالعه واقعه عاشورا و به دنبال آن خواندن داستان اسارت آن بزرگوار و همراهان او و چگونگی برخورد با ستمگران زمان است که تاریخ جزئیات آن نقل شده است. سعید بیابانکی با علم به این موضوع، شخصیت این بانوی بزرگوار را در سروده «شمس الشمس بی سر» برای مخاطبانش با گریزی به واقعه کربلا توصیف می کند:

همین که روز بر آن دشت، طرحی از شب ریخت	هزار کوه مصیبت به دوش زینب ریخت
نظاره کرد چو «شمس الشمس» بی سر را	به گوش گوش فلک، ناله ناله یارب ریخت
جهان برای همیشه سیاه شد چون شب	ز چشم های ترش هر چه داشت کوکب ریخت
چه بود نیت نا آشکار ساقی غم؟	که جام زینب غم دیده را لبالب ریخت
... اگر همیشه ببارند ابرهای جهان	نمی رسند به آن اشک ها که زینب ریخت

(بیابانکی، ۱۳۹۲: ۴۴)

کاربرد گسترده خورشید و شمس برای امام حسین (ع) و سر مبارک در استعاره های شاعران پایداری بیانگر هماهنگی افکار، اعتقادات و عواطف مشترک آنان در القای مفاهیم است. بیابانکی نیز از این امر مستثنی نیست. «شمس الشمس» بی سر در این سروده استعاره از امام حسین (ع) است. همچنین اضافه تشبیهی کوه مصیبت، ساقی غم و باغ مذهب، تشبیه سیاهی جهان به شب، تشبیه کلام حضرت زینب (س) به شراره و دهان ایشان به آتش فشان، استعاره مصرحه کوکب از اشک حضرت زینب (س) و در نهایت اغراق زیبای شاعر در بیت آخر، اعتقادات و اندیشه های شاعر را ترسیم می کند.

عاشورا و نهضت حسینی بی گمان بزرگ ترین قیام علیه ظلم و ستم در جهان به شمار می رود؛ زیرا در رأس این نهضت امام معصوم و حجت خدا قرار داشته است. از دیگر سو، شعر مقاومت اسلامی، برآمده از جوهره و ذات فرهنگ بالنده و انسان ساز اسلامی است. در اسلام، حضرت اباعبدالله (ع) نماد مقاومت و پایداری در مقابل ظلم و کفر و شرک و باطل

است. شخصیت برجسته امام حسین (ع) الهام بخش اکثر شاعران مقاومت در سراسر جهان اسلام است. حماسه بی‌بدیل کربلا، گنجینه‌ی پایان‌ناپذیری است که شعر مقاومت اسلامی برای همیشه می‌تواند از آن ارتزاق کند و شاعران، سروده‌های زیبایی با مضمون عاشورا و قیام حسینی سروده‌اند. شخصیت ملکوتی و مقام معنوی، علمی و اخلاقی امام حسین (ع) و نهضت عاشورا موجب شده است که ادیبان پارسی‌گو از دیرباز در بیان اوصاف و ابعاد شخصیتی حضرت (ع) سخن‌سرایی کنند و در راستای ماندگاری نهضت عاشورا اشعار فراوانی خلق کنند. باید گفت که ورود حماسه کربلا به حیطه شعر، یکی از عوامل ماندگاری و پایایی نهضت عاشوراست. افزون بر این، صاحب‌نظران ادبی، ادبیات عاشورایی را، از غنی‌ترین ذخیره‌های فکری و احساسی شیعه می‌دانند «چراکه حماسه کربلا هم، در زبان شعری شاعران تأثیر نهاده و هم ادبیات رثایی و سوگ‌سروده‌های مذهبی را غنا و اعتلایی ویژه بخشیده است. برخی از شاعران نیز ماندگاری نام خویش را مدیون پرداختن به توصیف و ترسیم قیام کربلایند و گاهی با یک شعر عاشورایی، شهره و جاوید گشته‌اند؛ همچون محتشم کاشانی و ترکیب‌بند ماندگار او با این بیت آغازین: باز این چه شورش است که در خلق عالم است» (محدثی، ۱۳۸۴: ۴۵). بیابانکی هم در استقبال از این ترکیب‌بند، سروده زیر را آفریده است:

خورشید سر برهنه به صحرا بر آمده	باز این چه شورش است مگر محشر آمده؟
این آفتاب از افقی دیگر آمده	آتش به کام و زلف پریشان و سرخ روی
این شاه کم سپاه که بی لشکر آمده	چون روز روشن است که قصدش مصاف نیست
هفتاد و دومین گل از خون بر آمده	بگذار تادمی به جمالت نظر کنم
حرفی به لب بیار، ببین خواهر آمده	لب‌واکن از هم‌ای تن‌بی‌سر حسین من!

(بیابانکی، ۱۳۹۴: ۷۵)

حماسه عاشورا قصه عشق و آزادگی و داستان پیروزی خون بر شمشیر است. یاد امام حسین (ع) در هاله‌ای از غم نهان شده و حضورش با درد و داغ عاشقان توأم گردیده است. اگرچه در غم و ثنای امام و سالار شهیدان صحیفه‌ها نگاشته‌اند و شاعران دیوان‌ها سروده‌اند، اما درباره این حادثه و حماسه خونین تاریخ بشریت، هنوز حق مطلب ادا نشده است.

در این سروده نیز باز هم با استعاره خورشید و آفتاب برای امام حسین (ع) مواجهیم. نخل‌ها (ع) و ساقی رشید از دیگر استعارات به کار رفته در این سروده‌اند. همچنین تشبیه امام حسین (ع) به کشتی نجات که یادآور کلام رسول (ص) است که فرموده: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَسَفِينَةُ النَّجَاةِ» (قمی، ۱۳۹۰: ج ۱ / ۲۵۷) است. حتی در منابع روایی آمده است: «إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَلَى يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ مِصْبَاحٌ هَادٍ وَ سَفِينَةٌ نَجَاةٌ»؛ در طرف راست عرش نوشته شده است: حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است» (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۰۰). تشبیه امام به ساقی علم به کف بی‌بدیل و باغ گل، اضافه تشبیهی نخل امید، خیمه‌های دل عاشقان از دیگر تشبیهاتی است که بیابانکی به کار برده است. همچنین مصرع «دریوزه‌ای به نیت انگشتر آمده» تلمیح دارد به داستان حضرت علی (ع) که در هنگام رکوع انگشتر خود را به نیازمندی بخشید. اکثر مفسران و اهل حدیث معتقدند که آیه ۵۵ سوره مائده «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» از جمله آیاتی است که درباره امام علی (ع) نازل شده است.

اندیشه مهدویّت و روحیه مقاومت

اندیشه نجات و موعودباوری در همه ادیان تاریخی و زنده بزرگ دنیا مطرح بوده است. آیین‌های زردشتی، هندو، بودا، کنفوسیوس، دائو و ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام به عنوان پرمخاطب‌ترین ادیان کنونی جهان، همگی به نوعی اندیشه موعود را مطرح کرده‌اند» (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۷۹-۲۸۱)؛ از این رو، انتظار و اعتقاد به مهدویّت درفش بنیادگر مقاومت در برابر ستم است. بر همین اساس، در قاموس مکتب منتظران واقعی، سازش و تسلی در برابر حاکمیت ظالمانه اباطیل و طاغوتیان جایی نداشته و همراهی و همنوایی با مفسدان و ستمگران و سکوت در برابر مظالم و مفساد، بسیار مذموم شمرده شده است. منتظر حقیقی با تکیه بر وعده حق، در مسیر رفع ظلم و مبارزه با حاکمیت مستکبران مقاومت می‌نماید و نوید فتح نهایی مستضعف بر مستکبر را به اثبات می‌رساند. سعید بیابانکی در اشعارش بارها اندیشه مهدویّت را منعکس نموده است و سروده‌هایی در این زمینه دارد. به عنوان مثال

شاعر در شعر «انارترین» ظهور امام زمان (عج) را جهت برپایی عدالت و برقراری آرامش طلب کرده است.

خدا کند که بهار رسیدنش برسد شب توآند چشمان روشنش برسد
 چو گرد بر سر راهش نشسته ام شب و روز به این امید که دستم به دامنش برسد
 خدای من دل چشم انتظار من تا چند به دور دست فلک بانگ شیونش برسد
 چقدر بر لب این جاده منتظر ماندن؟ خدا کند که از آن دور توسنش برسد
 (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۴۹)

از صور خیال شاعر در این سروده می‌توان به تشبیه هنگام ظهور امام (عج) به بهار، تشبیه شاعر منتظر به گردی که شبانه روز بر سر راه نشسته است، تشبیه روز ظهور به روز چیدن کامل‌ترین و رسیده‌ترین انار، تشبیه شوق به خرمن و کنایه کاملاً مرتبط گوش به زنگ بودن در معنای منتظر بودن اشاره کرد.

در شعر «انارترین» ظهور امام زمان (عج) مانند بهار، احیاگر دل‌های مرده و تجلی‌بخش انسانیت است. سعید بیابانکی بر این باور است که در عصر حاضر، بشر در شرایط، زمستانی به سر می‌برد. ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها سراسر جهان را فرا گرفته و ما در حال حاضر شاهد وضع ناهنجاری بر جامعه انسانی هستیم و هنگامی که این زمستان به اوج خود برسد، در و رای آن شرایطی جدید و فصلی نو ظهور پیدا می‌کند. منتظران و معتقدان مهدویت، این فصل جدید را بهار جامعه مهدوی و حکومت ناب مهدوی می‌نامند.

ارتباط بین آموزه‌های دینی در خصوص انتظار و ویژگی‌های عصر ظهور با اشعار انقلاب اسلامی بسیار مشهود و قابل توجه است. شاعران انقلاب اسلامی با داشتن ایمان به حضور حضرت مهدی (عج) و باور به امداد رساندن از سوی ایشان در مشقت‌ها و امیدواری به لطف و عنایت و حتی حضور او، و نیز با تلفیق و درآمیختن گذشته، حال و آینده با اتکا بر سه عنصر تاریخ اسلام (حادثه عاشورا)، حالات و رویدادهای حال (جبهه) و آینده (ظهور منجی)، ادبیات پایداری خاصی را در آثارشان رقم می‌زنند؛ به این ترتیب، شاعران ادبیات پایداری، آرمان شهر خود را در جامعه‌ای که در آن، ظهور منجی تحقق می‌یابد، جست‌وجو می‌کنند.

در شعر «انتظار»، عصر ظهور، عصر زیبایی، نوآوری، شکوفایی و خوبی‌ها است. دوران معنویت‌گرایی، خردورزی و دادگری مطلق است و این رویکردی است که در احادیث بدان اشاره شده است: «السلام علی ربیع الانام و نصره الايام» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۹/ ۱۰۱).

بیا که آینه روزگار، زنگاری است
بیا که زخم زبان‌های دوستان کاری است
به انتظار نشستن در این زمانه یأس
برای منتظران چاره نیست ناچاری است
نه این که جمعه فقط صبح زود بیدارند
که کار منتظرانت همیشه بیداری است
به قول خواجه ما در هوای طره تو
چه جای دم زدن ناهه‌های تاتاری است
(بیابانکی، ۱۳۹۳: ۷۳-۷۴)

چنانکه مشاهده می‌شود، بیابانکی در تشبیه بلیغ آینه روزگار، روزگار را به آینه زنگار گرفته‌ای از رفتار آدمیان تشبیه کرده که او را به ستوه آورده و از دوری مولایش لابه می‌کند. او بر این باور است که ظهور امام (عج) هنگامه از بین رفتن زنگارها و تیرگی‌هاست. زمان نعمت، رحمت، برکت و پیشرفت است. دوران حاکمیت دین، قانون، نظم و عدل است. این تصویر کلی با جزئیات کامل آن در منابع دینی ما ارائه شده و دورنمای آینده را روشن، منطقی و متعالی جلوه داده است. از ویژگی‌های بارز و برجسته این عصر، شکوفایی انسان است؛ یعنی رونمایی از همه استعدادها و ظرفیت‌های وجودی انسان، بازگشایی راه‌های پیشرفت مادی و معنوی و بهره‌وری بهینه از نعمت‌ها و امکانات است. افزون بر این، وجود تشبیه مضمیر تفضیلی در این سروده قابل توجه است؛ از منظر سعید بیابانکی، یار (امام زمان) از نافه مشک تاتاری؛ رایحه‌ای دلنوازتر دارد.

یکی از شگردهای بیابانکی در شعر، آوردن بخشی از اشعار شاعران در سروده‌های خود و یا به عبارتی دیگر تضمین است که این تلفیق زیبایی اشعارش را افزون کرده است. نمونه آن، در بیت آخر شعر اخیر دیده می‌شود که شاعر بیت زیر از حافظ را تضمین نموده است:
در آن زمین که نسیمی وزد ز طره دوست
چه جای دم زدن ناهه‌های تاتاری است
(حافظ شیرازی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۱۵۰)

در شعر زیر نیز، مضمون انتظار و امید به آینده‌ای بهتر به چشم می‌خورد. از نگاه شاعر، ناامیدی

از ظهور مهدی موعود (عج) تلخ‌ترین حکایت موجود است. افزون بر این، بیابانکی، معشوق خویش (امام زمان) را به گل شب‌بوی بی‌نشانی تشبیه کرده است که رایحه‌ خوش آن خلوت پاییزی و غمگین او را عطرآگین کرده‌است. این معشوق آن قدر عزیز است که اگر به میهمانی شاعر برود، برایش غزلی سر می‌برد و قربانی می‌کند. غزل در بیت دوم استعاره است از حیوانی که برای میهمان سر می‌برند. همان طور که دیده می‌شود در این غزل نیز مصرع «کجایی ای گل شب‌بوی بی‌نشانی من؟» هم در آغاز و هم در پایان شعر تکرار شده است که نشان‌دهنده‌ نهایت انتظار شاعر و بی‌تابی اوست.

گرفته بوی تو را خلوت خزانی من
 کجایی ای گل شب‌بوی بی‌نشانی من؟
 غزل برای تو سر می‌بُرم، عزیزترین!
 اگر شبانه بیایی به میهمانی من
 ...به پای بوس تو آینه دستچین کردم
 کجایی ای گل شب‌بوی بی‌نشانی من؟
 (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۶۶)

تحقق عدالت، مقابله با حکومت ستمگران و نامشروع دانستن همکاری و همراهی با آن‌ها، از محورهای اساسی گفتمان مهدویت است. بر همین اساس، معتقدان به مهدویت در عصر انتظار، سعی می‌کنند؛ در راه اجرای عدل و قسط، در جامعه و مبارزه با ظلم و بیداد قدم بردارند و از این طریق جامعه را برای ظهور بزرگ‌پرچمدار عدالت مهیا سازند. این رویکرد با زبانی ساده در شعر «انتظار» بیان شده است.

در شعر «نقیضین» نیز این رویکرد به چشم می‌آید و ظهور حضرت مهدی (عج) باعث روشنایی و سرسبزی می‌شود و تاریکی و ظلمت بیداد را از بین می‌برد:

مبتلا کرده است دل‌ها را به درد دوری‌اش
 نرگس پنهان من با مستی‌اش مستوری‌اش
 آه می‌دانم که ماه من سرک خواهد کشید
 کلبه‌ درویشی‌ام را با همه کم نوری‌اش
 بوسه نه جمع نقیضین است در لب‌های او
 روزگار تلخ من شیرین شده است از شوری‌اش
 گر بیایی خانه‌ای می‌سازم از باران و شعر
 ابرهای آسمان‌ها پرده‌های توری‌اش
 (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۶۶)

گل نرگس یکی از استعاره‌های پرکاربرد شاعران برای امام زمان (عج) است. سعید بیابانکی برای این امام غایب استعاره نرگس پنهان و ماه را به کار برده است. در این شعر دل

امام غایب به جهانی تشبیه شده که آسمانی فیروزه‌ای دارد. تشبیه زیبا و خیال‌انگیز شاعر در بیت آخر دیده می‌شود. او برای آمدن معشوق از باران و شعر خانه می‌سازد. خانه‌ای که پرده‌های توری آن از ابرهای آسمان است. کاربرد عناصر طبیعت در این سروده قابل توجه است: نرگس، ماه، بهاران، گل شیپوری، شب، باران، ابر، آسمان.

بیابانکی در این شعر با کمک صور خیال، ضمن مدح مهدی موعود (عج)، در ابیات آغازین، از وضعیت کنونی دنیا و ظلم و ستمی که بر مظلومین روا داشته می‌شود، احساس دل‌تنگی می‌کند و آرزو دارد با ظهور امام زمان (عج) قیام بزرگ رستاخیز به وقوع بپیوندد.

برجسته‌سازی‌ها و نوآوری‌های سعید بیابانکی در سروده‌های پایداری

آنچه در سروده‌های پایداری بیابانکی جلوه می‌کند برجسته‌سازی و نوآوری‌های اوست. این برجسته‌سازی‌ها به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود که در این مجال بررسی می‌شوند:

ساخت کنایات و ضرب‌المثل‌ها از برجسته‌سازی‌ها بارز اشعار این شاعر است. به نمونه زیر توجه فرمایید:

و آب‌های جهان تا از آسیاب افتاد / قلم به دست شدیم و زبان درآوردیم
(بیابانکی، ۱۳۹۳: ۵۹)

آب از آسیاب افتادن که به معنای برقرار شدن آرامش یا خاموش شدن سر و صدا به کار می‌رود. کنایاتی چون: جوانی کردن، جهانی کردن، پادرمیانی کردن (ر.ک: بیابانکی، ۱۳۹۳: ۶۳)، جام از دست افتادن، به لرزه افتادن، پا به جایی گذاشتن (ر.ک: بیابانکی، ۱۳۸۷: ۶۹-۷۰).

ساخت‌های عامیانه نیز از عوامل برجستگی زبان است که نان درآوردن، از خود درآوردن، به بازی گرفتن و بازی درآوردن در نمونه زیر از این دسته‌اند:

شما حماسه سرودید و ما به نام شما / فقط ترانه سرودیم و نان درآوردیم
برای این که بگویند با شما بودیم / چقدر از خودمان داستان درآوردیم
به بازی‌اش نگرفتند و ما چه بازی‌ها / برای این سر بی‌خانمان درآوردیم
(بیابانکی، ۱۳۹۳: ۵۹)

تکرار از دیگر شگردهای برجسته‌سازی این شاعر است که بارزترین نمونه آن را می‌توان در نمونه زیر مشاهده کرد که در آن قید همین تکرار شده است:

همین که اشک مرا و تورادر آورده است همین، همین دوسه تا تگه استخوان شعر است
همین که می‌رود از دست شهر دست به دست همین شقایق بی‌نام و بی نشان شعر است
(بیابانکی، ۱۳۹۳: ۸۰)

پرش ضمیر از دیگر نوآوری‌های این شاعر است. «نیامد آن سبویی که عطش بنوشدمان» (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۳۲) که در واقع «عطشمان بنوشد» است. چنین است، پاس می‌دارمت (ر.ک: همان، ۲۹)، زمینت (ر.ک: بیابانکی، ۱۳۸۷: ۷۰) و ...

این برجسته‌سازی‌ها در واژه‌ها نیز دیده شده است که مهم‌ترین آن‌ها آوردن واژه‌های مدرن در سروده‌هاست: «چمدان‌های خسته سنگین‌اند / سالن انتظار سنگین‌تر / مثل دیشب نگاه‌ها ابری است (ر.ک: بیابانکی، ۱۳۹۳: ۴۰). دو واژه سالن و چمدان جزو واژه‌های امروزی و مدرن است.

نوآوری‌های بیابانکی را در ترکیبات نیز می‌توان مشاهده نمود. ترکیب جدیدی همچون «ساقی آب‌آور» (ر.ک: بیابانکی، ۱۳۹۳: ۶۲) و «آهوی نجیب» (ر.ک: همان، ۵۹) خاص اوست.

همچنین بیابانکی با ایجاد پارادوکس، برجسته‌سازی معنایی ایجاد کرده است. در نمونه زیر شاعر با ایجاد پارادوکس در معنا غرابت ایجاد کرده است:

کوه با آفتاب نیمه شبش همه خاک را چراغان کرد
(بیابانکی، ۱۳۹۳: ۸۰)

از نوآوری‌های بیابانکی در سروده‌های پایداری حسن تعلیل‌های وی است. نمونه زیر را ملاحظه فرمایید که در آن شاعر علت شرمساری چشم‌هایش را نرسیدن به آرزوها معرفی می‌کند:

بس که در بن بست تنگ آرزوها مانده‌ام چشم‌هایم هست هر شب شرمسار از کوجه‌ها
(بیابانکی، ۱۳۸۷: ۲۹)

و یا در بیت زیر خزان سروده‌ها را علت برگ شدن دفتر شعرش می‌داند.

از این که دفتر شعرش هزار برگ شده است بهار نه، به نظر می رسد خزان شعر است
(بیابانکی، ۱۳۸۷: ۲۹)

برجسته سازی های بیابانکی در بخش موسیقایی هم دیده می شود که مهم ترین آن آوردن ردیف های طولانی است. همچون ردیف «افتاده است» در غزل «گل قاصد» (ر.ک: بیابانکی، ۱۳۹۰: ۲۷).

نتیجه گیری

جلوه های پایداری و مقاومت در شعر سعید بیابانکی از روحیه آزاداندیشی و ظلم ستیزی او نشأت می گیرد که ریشه در باورها و عقاید وی دارد. امید به آینده و ظهور حضرت مهدی موعود (عج)، عشق به میهن، ایستادگی در برابر دشمن متجاوز اساس اعتقادی سعید بیابانکی را تشکیل می دهد. که در جدول زیر نمایش داده می شود:

جدول ۱: مضامین پایداری در سروده های سعید بیابانکی

مضامین پایداری در سروده های سعید بیابانکی				
ستایش از حماسه سازی رزمندگان و شهدا	اعتراض و هشدار	عشق به وطن و ستایش آن	مطرح کردن الگوهای تاریخی اسلام	اندیشه مهدویت و روحیه مقاومت

وی در بیان تمجید از اهل بیت (ع)، شهدا و ایثارگران و ارائه احساسات و عواطف خود نسبت به آنان از قالب ستنی غزل، رباعی و مثنوی بهره برده است. لحن و آهنگ بیابانکی هنگام سخن گفتن از میهن و مقاومت در برابر دشمن همراه با شور و حماسه است. در شعر وی با توجه به شیعه بودنش، الگوبرداری از امامان به عنوان نماد مقاومت و پایداری در برابر ظلم و ستم وجود دارد و با این سروده ها مردم را به مبارزه در برابر تهاجم دشمنان تشویق می کند. سعید بیابانکی به عنوان یک شاعر شیعی متعهد، پرداختن به واقعه عاشورا را بر خود واجب می داند. به نظر می رسد؛ افزون بر دلبستگی شاعر به حضرت سیدالشهدا (ع)، توجه شاعر به این واقعه، ریشه در سفارش ائمه معصومین (ع) مبنی بر به تصویر کشیدن و احیای همیشگی ظلمی که به ناحق بر امامشان رفته و مظلومیت امام حسین (ع) دارد؛ از این رو وی با اشاره به وحشیگری و سنگدلی یزیدیان در به آتش کشیدن خیمه های اهل بیت

(ع) و همچنین با بیان تشنگی و بستن آب فرات از سوی سپاه عمر سعد، اندوه خود را نشان داده است.

اما شعر سعید بیابانکی تنها محدود به سوز و گدازها نسبت به مصیبتی که بر امام حسین (ع) و یاران باوفایش روا داشته شده است، نیست بلکه وی در کنار این احساسات لطیف شاعرانه به بازتاب رسالت عاشورا پرداخته است؛ دفاع از حق، درس آزادی و آزادگی، ایستادن در برابر ظلم، ایثار و فداکاری امام حسین (ع) نمونه‌هایی از رسالت‌ها و اهداف قیام عاشورای حسینی است که سعید بیابانکی آن‌ها را در سروده‌هایش بازتاب داده است. بارزترین اندیشه مقاومت و پایداری در اشعار سعید بیابانکی مربوط به اندیشه مهدویت است. در شعر وی، انتظار و اعتقاد به مهدویت، درفش بنیادگر مقاومت در برابر ستم است و این محتوا در آثار سعید بیابانکی، حضور پررنگ و برجسته‌ای دارد.

صور خیال در اشعار پایداری سعید بیابانکی بیانگر حالات، عواطف و نگرش او به پدیده دفاع مقدس و جنگ است. او در خلق تصاویر شعری خود از تشبیه و استعاره به طور فراوان و گاه از کنایه استفاده کرده است. آنچه سروده‌های پایداری بیابانکی را برجسته و ممتاز می‌کند، برجسته‌سازی‌ها و نوآوری‌های شاعر است که سطح موسیقایی، زبانی و معنایی اشعارش را در برمی‌گیرد.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

- آقابخش، علی‌اکبر و افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۳) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۷) جایگاه مفهوم شهادت در داستان‌های جنگ، مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- اکبری، منوچهر (۱۳۷۱) نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی (بخش اول: شعر)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

- بیانکی، سعید (۱۳۹۳) یلدا، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بیانکی، سعید (۱۳۹۴) سنگچین، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بیانکی، سعید (۱۳۹۰) نامه های کوفی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بیانکی، سعید (۱۳۹۲) جامه دران، تهران: انتشارات فصل پنج.
- بیانکی، سعید (۱۳۸۷) باغ دوردست، تهران: تکا (توسعه کتاب ایران).
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۶۲) دیوان حافظ شیرازی، تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- رجایی، نجمه (۱۳۸۲) شعر و شرر، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰) نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، تهران: انتشارات پالیزان.
- شکری، غالی (۱۹۷۹) ادب المقاومة، بیروت: دارالآفاق.
- طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن (۱۳۹۰ه.ق) إعلام الوری، تهران: اسلامیه.
- قمی، عباس (۱۴۳۰) سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، تحقیق مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- کمسفیدی، اصغر (۱۳۸۸) ادبیات پایداری، نامه پایداری ۲، به کوشش احمد امیری خراسانی، چاپ اول، کرمان: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- کنفانی، غسان (۱۹۶۶) هادب المقاوم فی فلسطین المحتله، بیروت: دار الآداب.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳) بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محفوظ، محمد (۲۰۰۳) الواقع العربی و تحدیات المرحلة الراهنة، بیروت: دار الشرق الثقافه.
- محمدی، محمد حسین (۱۳۹۰) آخر الزمان در ادیان ابراهیمی، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
- معین، محمد (۱۳۸۸) فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر.
- نورایی، الیاس (۱۳۹۵) نمادهای پایداری، کرمانشاه: انتشارات طاق بستان.

هال، جیمز (۱۳۸۰) فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.

یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۶) چون سبوی تشنه، تهران: جامی.

مقالات

امیری خراسانی، احمد و هدایتی، فاطمه، (۱۳۹۳) ادبیات پایداری؛ تعاریف و حدود، نشریه ادبیات پایداری کرمان، سال ۶، شماره دهم، صص ۲۳-۴۱.

پشت‌دار، علی محمد (۱۳۸۹) چشم‌انداز آزادگی و ادب اعتراض در شعر فارسی، دو فصلنامه علوم ادبی، سال سوم، شماره ۵، صص ۱۸۰-۱۵۷.

سنگری، محمدرضا (۱۳۷۷) مرگ‌اندیشی در ادبیات گذشته، معاصر، انقلاب، کنگره بررسی تأثیر امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، صص ۱۶۳-۱۴۵.

سنگری، محمدرضا (۱۳۸۷) نگاهی به شاخص‌های کلی ادبیات مقاومت، روزنامه رسالت، شماره ۷۰۸۸، مورخه ۱۳۸۰/۲/۱، ص ۱۹.

کرمی، محمدحسین و مظاهری رودبالی، علی (۱۳۹۵) بررسی و تحلیل علل ابهام و دیریابی مفهوم در اشعار صائب، فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، شماره ۳۰، صص ۳۲-۶۲.

کمری، علی رضا (۱۳۹۰) نگاهی دیگر پیرامون خاطره: خاطره نگاری و تاریخ (شفاهی) جنگ / دفاع مقدس، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، نشریه ادب پایداری کرمان، مهر، شماره ۱۶۱، صص ۱۱۸-۱۲۷.

محدثی، جواد (۱۳۸۴) شعر عاشورایی، فرهنگ کوثر، شماره ۶۱، صص ۴۰-۴۶.

پایان‌نامه‌ها

صدقیان‌زاده، قاسم (۱۳۹۰) بررسی مؤلفه‌های پایداری در شعر دفاع مقدس با تکیه بر شعر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، راهنما احمد امیری خراسانی، دانشگاه کرمان، صص ۱-۲۶۰.

<http://sheren.com/post-29197.html>، ۹۵/۳/۳۱، (۱۳۹۵)، علی (پیش)، رفیعی

References:

Books

The Holy Quran.

Aghabakhshi, Ali Akbar and Afshari Rad, Minoo (2004) **Culture of Political Science**, Tehran: Chapar.

Ebrahimi, Nabiollah (2008) **The place of the concept of martyrdom in war stories**, Proceedings of the National Conference on Promoting the Culture of Sacrifice and Martyrdom, Isfahan: Isfahan University Press.

Akbari, Manouchehr (1992) **Critique and Analysis of the Literature of the Islamic Revolution (Part One: Poetry)**, Tehran: Organization of Cultural Documents of the Islamic Revolution.

Bianki, Saeed (2014) **Yalda**, Tehran: Surah Mehr Publications.

Bianki, Saeed (2015) **Sangchin**, Tehran: Surah Mehr Publications.

Bianki, Saeed (2011) **Kofi Letters**, Tehran: Surah Mehr Publications.

Bianaki, Saeed (2013) **Jame Duran**, Tehran: Chapter Five Publications.

Bianaki, Saeed (2008) **Far Garden**, Tehran: Teka (Iran Book Development).

Hafez Shirazi, Shamsuddin Mohammad (1983) **Divan of Hafez Shirazi**, edited by Parviz Natel Khanlari, Tehran: Kharazmi Publications.

Dehkhoda, Ali Akbar (1994) **Dehkhoda Dictionary**, Tehran: Tehran University Publishing Institute.

Rajaei, Najmeh (2003) **Poetry and Evil**, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad Press.

Sangari, Mohammad Reza (2001) **A Critique of the Poetry Literature of the Holy Defense**, Tehran: Palizan Publications.

Shukri, Ghali (1979) **Adab al-Maqawameh**, Beirut: Dar al-Afaq.

Tabarsi, Amin al-Islam Fadl Ibn Hassan (1970) **Al-Ori Media**, Tehran: Islamism.

Qomi, Abbas (2009) **The Ship of the Sea and the City of Judgment and Works**, Research of the Islamic Research Complex, Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.

Kamsfidi, Asghar (2009) **Sustainability Literature**, Sustainability Letter 2, by Ahmad Amirieh Khorasani, First Edition, Kerman: General Directorate of Preservation of Relics and Publication of Sacred Defense Values.

Kanfani, Ghassan (1966) **Hadeb al-Maqawim fi Palestine al-Muhtallah**, Beirut: Dar al-Adab.

Majlisi, Muhammad Baqir (2009) **Behar Al-Anwar**, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.

Mahfouz, Mohammad (2003) **The Arab Realities and the Nahdiyat of the Mortal Stage**, Beirut: Dar Al-Sharq Al-Thaqaf.

Mohammadi, Mohammad Hussein (2011) **Apocalypse in the Abrahamic Religions**, Qom: Cultural Foundation of the Promised Mehdi.

Moin, Mohammad (2009) **Moin Persian Culture**, Tehran: Amirkabir.

Nouraei, Elias (2016) **Symbols of Sustainability**, Kermanshah: Taq Bostan Publications.

HaL, James (2001) **A pictorial lexicon of symbols in Eastern and Western art**, translated by Roghayeh Behzadi, Tehran: Contemporary Culture.

Yahaghi, Mohammad Jafar (1997) **Chun Sabavi Tashneh**, Tehran: Jami.

Articles

Amiri Khorasani, Ahmad and Hedayati, Fatemeh, (2014) **Sustainability literature; Definitions and limits**, Kerman Journal of Sustainability Literature, Volume 6, Number 10, pp. 23-41.

Poshtdar, Ali Mohammad (2010) **The Perspective of Freedom and the Literature of Protest in Persian Poetry**, Two Quarterly Journal of Literary Sciences, Third Year, No. 5, pp. 180-157.

Sangari, Mohammad Reza (1998) **Death Thought in Past, Contemporary, Revolutionary Literature**, Congress on the Impact of Imam Khomeini and the Islamic Revolution on Contemporary Literature, Tehran: Imam Khomeini Publishing House, pp. 163-145.

Sangari, Mohammad Reza (2008) **A Look at the General Indices of Resistance Literature**, Resalat Newspaper, No. 7088, dated 1/2/1380, p. 19.

Karami, Mohammad Hossein and Mazaheri Rudbali, Ali (2016) **Study and analysis of the causes of ambiguity and finding the concept in Saeb's poems**, Scientific Journal of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dekhoda), No. 30, pp. 32-62.

Kamri, Ali Reza (2011) **Another Look at Memory: Memoirs and (Oral) History of War / Holy Defense**, Book of the Month of History and Geography, Kerman Journal of Sustainability Literature, October, No. 161, pp. 118-127.

Muhaddithi, Javad (2005) **Ashura Poetry**, Farhang Kowsar, No. 61, pp. 40-46.

Theses

Sedghianzadeh, Ghasem (2011) **A Study of the Components of Sustainability in the Poetry of Sacred Defense Based on the Poetry of Qaisar Aminpour**

and Salman Herati, M.Sc. Thesis, Supervisor Ahmad Amiri Khorasani, University of Kerman, pp. 1-260.

Site

Rafiei, Ali (Parish), (2016), 31/3/95, <http://shereno.com/post-29197.html>

The Effects Resistance Elements in the poems of Saeid Biabanaki

Dr. Kheironnesa Mohammadpour¹, Dr. Azadeh Hosseinzadeh²

Abstract

Saeed Biabanaki is one of the contemporary poets of the field of sustainability literature, whose poems are full of sustainability issues. Therefore, the present study aims to investigate and analyze the poems of Saeed Biabanaki in terms of sustainability literature with a descriptive-analytical approach and relying on library resources and to show the audience what role did he play in awakening and informing the people and provoking them to fight foreign enemies and oppression? To what extent did the national and Islamic values of the poet help the poet in terms of effective expression of resistance poetry? The findings of the research show that the thought of Mahdism, the love of the homeland, the praise of freedom and liberty, the invitation to fight, stability and unity, hostility, support for the resistance of the Palestinians and the oppressed peoples of other countries, reflecting the uprising of Ashura, Hosseini, and other important subjects. Sustainable Literature in Poems by Saeed Biabanaki In addition, he shows that his poem reflects human pain in a simple, unpretentious language. Poetry of Saeed Biabanaki is, at the same time, a vivid, committed and influential poem, in which the victory and hope for a bright future will be on the rise.

Key words: Sustainable Literature, Holy Defense, Resistance Elements, Contemporary Poetry, Saeed Biabanaki

¹. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran. mohammadpour99@pnu.ac.ir

². Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. (Responsible author) hosseinzadeh9958@gmail.com